روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران • صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان • نشانی: میدان آرژانتین،خیابان الوند، کوچه آرشیا، پلاک ۶ • تلفن: ۹۲و۸۸۶۵۴۳۹۰ • نمابر: ۸۸۸۸۰۷۱۹ • تلفن آگهی‌ها: ۸۸۱۹۲۸۷۷ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۲۰۹۵۹۳ • توزیع: شرکت‌پیام‌رسان پیروز تلفن: ۵- ۶۶۲۷۲۱۳۰ • چاپ: گلریز تلفن: ۶۶۷۹۵۴۴۲

روزنامه شرق

www.sharghdaily.ir

شنبه • ۹ خرداد ۱۳۹۴ • ۱۱ شعبان ۱۴۳۶ • ۳۰ می ۲۰۱۵ • سال دوازدهم • شماره ۲۳۱۲ • ۲۰ صفحه

اذان ظهر تهران ۱۳:۰۲ • اذان مغرب ۲۰:۳۴ • اذان صبح فردا ۴:۰۷ • طلوع آفتاب ۵:۵۰

روزنامه فردا

fardashargh@gmail.com

آچارکشی

فقط مجردها غلط می‌کنند؟

پوریا عالمی

: درباره آگهی این خانه حیاط‌دار زنگ زدم که نوشتید پنجره‌های بزرگی دارد... .

- مجردید؟

: شما چی؟

- یعنی چی آقای محترم؟ شما مجردید یا نه؟

: سؤال من هم همین است. شما مجردید یا نه؟

- به شما چه ربطی دارد؟

: شما اول پرسیدی من مجردم یا نه.

- خب من برای خانه پرسیدم که شما مجردی یا نه.

: خب من هم برای خانه پرسیدم شما مجردی یا نه.

- ببینید آقای عزیز من خانه را به مجرد نمی‌دهم.

: یعنی می‌گویید برای اینکه خانه را به من اجاره بدهید، باید قبلش با شما ازدواج کنم؟

- من قصد ازدواج ندارم آقا.

: من هم از شما درخواست ازدواج نکردم.

- چی؟ همین الان گفتی با هم ازدواج کنیم.

: من فقط می‌خواهم قرار بگذاریم... .

- من اصلا با شما قرار نمی‌گذارم.

: من نخواستم با شما قرار بگذارم گفتم قرار بگذاریم خانه را ببینم... .

- ببین آقای عزیز شما مجردی، فردا معلوم نیست توی این خانه می‌خواهی چه غلطی کنی.

: آهان. یعنی اگر ازدواج کرده باشم و همسرم را بفرستم دنبال نخودسیاه و هر غلطی خواستم بکنم، اوکی است؟ فقط مجردها غلط کنند، غلط است و غلط متأهل‌ها درست است؟

- اصلا شغل شما چیست؟

: من آچارکشی می‌کنم.

- چی‌رو؟ کجا؟

: همه‌چی‌رو. توی روزنامه.

- خیلی بی‌نمکی. هم بی‌نمکی، هم روت زیاده. اصلا دیگه زنگ نزن. اس‌ام‌اس هم نده. وایبر هم شکلک برام نفرست. فهمیدی؟ بوق‌بوق‌بوق... .

بعضی‌ها موقع آچارکشی بدون خداحافظی گوشی را قطع می‌کنند.

کارتون خواب

آروین

arvinmad@gmail.com

افت ۳۲ درصدی آمار ساخت و ساز در فروردین ۹۴

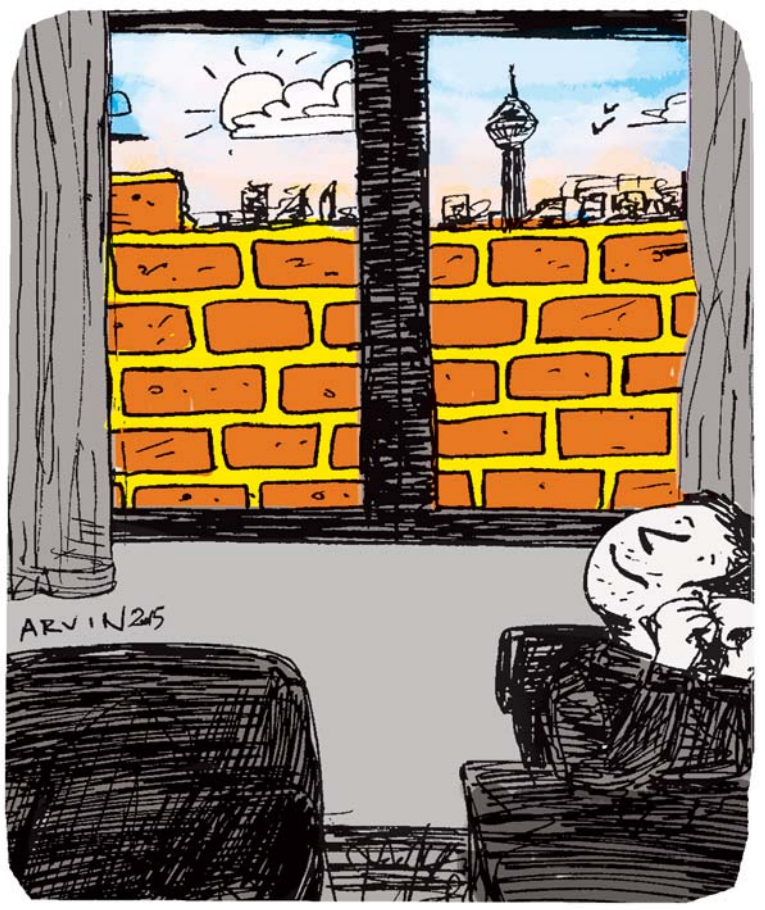

پشت جلد

نوکیسگی فقط یک برچسب نیست

کریم ارغنده‌پور

در ۱۰ سال گذشته پدیده نوکیسگی شتاب زیادی گرفت. حالا برخی از جلوه‌های آن در نزدیکی همه ما هست. نوکیسگی علاوه‌بر همه فسادی که در جامعه و دولت ایجاد می‌کند، فرهنگ خاص خود را هم به‌همراه می‌آورد. نوکیسه یعنی کسی که بدون آنکه حقش باشد، تنها به‌واسطه رانت یا روابط خاص به‌یکباره به آلاف و الوفی برسد. این فرد اگرچه عملا ثروت قابل‌توجهی در اختیار دارد ولی روشش در هزینه‌کردن آن، پس افتاده و برای کسی که آن را از مقابل نگاه می‌کند، گاهی مضحک می‌نماید. مهم‌ترین آسیب نوکیسگی فقط فسادی که منجر به تجمیع این‌همه ثروت در حساب شخصی گروه کوچکی از افراد شده، نیست بلکه مهم‌تر از آن تشکیل یک طبقه بی‌هویت است که پس از به‌دست‌آوردن ثروت، تلاش می‌کند تا آن را در برابر خطراتِ آینده حفظ و وجودش را تضمین کند. این کار ممکن نیست مگر آنکه این ثروت بادآورده به‌نوعی به یک خاستگاه سیاسی مستقر گره زده شود. آشکار است که افت‌وخیزهای سیاسی اقتضا دارد برای نگاه‌داشتن آن، گاهی جانب این و گاهی جانب گروه سیاسی مقابل گرفته شود و تحقق این هدف جز با بی‌هویتی ممکن نیست. از این نظر کسی که هویت ثابت و آشکار -اگرچه مخالف سلیقه ما- دارد، بر کسی که هویتش را موقعیت ثروت‌اندوزی‌اش رقم می‌زند و هرازگاهی از یک‌سو به سوی دیگر می‌غلتد، برتری دارد. هرچه در واقعیت بر تعداد این نوع بی‌هویت‌ها افزوده شود، باید درباره موقعیت سیاسی و اقتصادی کشور بیشتر اظهار نگرانی کرد. اینها برخلاف ظاهر فریبنده، در حقیقت به هیچ بخشی از قدرت ارادتی ندارند. هرجا آب باشد، شناگران ماهری هستند. هر موقعیتی اقتضا کند، می‌توانند در اندک زمانی چنان پشتک‌وارو بزنند که همه را شگفت‌زده کنند. اینها برای حوزه قدرت هم فریبنده‌اند. همیشه دور قدرت پرسه می‌زنند ولی درواقع دلشان جای دیگری است. نوکیسگی بد دردی است. جامعه و قدرت، آشکار و نهان، بیرون و درون، سیاست و اقتصاد، فرهنگ و اجتماع، همه را آلوده می‌کنند تا خودِ بی‌صلاحیتشان را سرپا نگه‌دارند. این آلودگی، امروز و فردای جامعه را به بیماری مزمنی می‌کشاند. هم دولت باید نسبت به خطر آن آگاه باشد و هم جامعه. باید هوشمندانه و مصمم از ادامه رشد و نمو آن جلوگیری کرد و بهترین راهش هم حاکمیت قانون دموکراتیک است. قانون برای فرد نوکیسه حکم جن و بسم‌الله را دارد. هرچه قانون حاکم‌تر باشد، نوکیسگی کمتر خواهد بود. حاکمیت قانون نه‌تنها کلید پیشرفت کشور است بلکه بازدارنده نابرابری و بی‌عدالتی و تبعیض هم هست. نوکیسگی فقط یک برچسب منفی نیست، واقعیتی است که باید درمان شود.

میراث‌فردا

یادی از نغمه‌سرای کودکان

محمود برآبادی: از توی کلاس صدای فریاد بچه‌ها می‌آمد که دسته‌جمعی سرود می‌خواندند. پنجره کلاس باز بود و باد پرده نازک را تکان می‌داد و همراه آن صدای بچه‌ها به بیرون راه باز می‌کرد. ما گل‌های خندانیم، فرزندان ایرانیم، ایران پاک خود را مانند جان می‌دانیم. بعد که پیگیر یافتن شعر شدم، دریافتم که شاعر آن کسی جزء عباس یمینی‌شریف نیست؛ مردی که نیم‌قرن برای کودکان این مملکت شعر گفت، داستان نوشت و همه وقتش را در خدمت کودکان گذاشت. سردبیری مجلات بازی کودکان، دانش‌آموز و کیهان‌بچه‌ها در سال‌های دور و راه‌اندازی دبستان روش نو با همکاری همسرش، مشارکت در تألیف کتاب‌های درسی دبستان و کتاب‌های بزرگ‌سالان نوآموز و کتاب‌های آموزشی برای پدران و مادران تنها بخشی از فعالیت‌های فرهنگی اوست. فراموش نکنیم برخی از نویسندگان و جریان‌های ادبی، آثار یمینی‌شریف را جزء نوشته‌هایی می‌دانند که هدفی جز سرگرمی کودکان و دورکردن آنان از واقعیت‌های گاه تلخ اجتماعی ندارد. این دسته از نویسندگان معتقدند که باید کودک را با واقعیت‌های اجتماعی، تبعیض جنسی و قومی، اختلاف طبقاتی، بی‌عدالتی، فقر و بیکاری آشنا کرد تا برای ورود به جامعه، شناخت کافی پیدا کند. یمینی‌شریف سعی داشت با به‌کارگیری عناصر بازی و تخیل و با زبان و توصیفی ساده، اشعار سرگرم‌کننده و لذت‌بخشی درخور فهم کودکان بسراید و در موارد بسیاری موفق شد. مهم است که یک، فضا برای گفت‌وگو و نقد و نظر همه این نحله‌ها فراهم باشد و دو، هر اثری چه شعر و چه داستان سوای محتوای آن، از گوهر هنر و ادب خالی نباشد.

پیشنهاد فردا

«فرش خاکستر» روزنامه‌ها

تا ۱۱ خرداد در گالری مهروا، نمایشگاه« فرش خاکستر» از ۱۱ هنرمند جوان برپاست؛ نه آن‌قدر جوان که دوم خرداد ۷۶ را ندیده باشند. آنان یاد و خاطره خود از آن روزگار را با تکیه بر روزنامه‌ها به تصویر کشیده‌اند؛ روزنامه‌هایی همچون جامعه، صبح‌امروز، فتح، خرداد، بهار و... هرچند افتتاح نمایشگاه با شب دوم خرداد هم‌زمان شد تا شاید تجربه تازه‌ای در بازنمایی تاریخ معاصر باشد. هنرمندان این نمایشگاه در سه ویژگی، مشترک بوده‌اند؛ اول به‌لحاظ سنی سعی شده که در آن دوره رأی داده باشند یا در جریان حال و فضای آن روزگار قرار داشته باشند. دوم دغدغه دوم خرداد را داشته باشند و سوم کاری تازه ارائه کنند، نه‌اینکه از ذخایر آتلیه، اثری را به مجموعه سنجاق کنند. «پدرام رمضانی» به‌عنوان گردآورنده این آثار به «شرق» گفته است: «بیشترین چیزی که در کلیت آثار این مجموعه به چشم می‌آید، لحظه‌لحظه‌های دو روی امید و ناامیدی است که با بازگشت به آنها همان اندازه می‌توانیم یادآور خوشی‌هایش باشیم که همان اندازه یادآور تلخی‌هایش». هادی حیدری، محسن یزدی‌پور، میلاد هوشمندزاده، برومند، حاتمی‌زاده، ایلیا تهمتنی، بهار حمزه‌پور، رضاپور، عمرانی، لهراسبی و ندا مرادی اثری در این مجموعه دارند.